

## جایگاه جریان فراماسونری در رابطه ایران با غرب (۲)

۱۶ بهمن ۱۳۹۳ ساعت ۱۶:۲۷

فراماسونری در عصر پهلوی سه مرحله متمایز را پشت سر گذاشت: ۱- مرحله سکوت نسبی در دوره رضا شاهپهر چند فروغی مشهور به ذکاءالملک که به عنوان نخست وزیر رضاشاه و اولین نخست وزیر محمدرضا شاه به شمار میرفت، خود از فراماسونهای نامی آن دوران به بود. سیدحسن تقی زاده نیز از فراماسونهای پیشگام و از کسانی است که به لژ بیداری ایران پیوست و بعدها نیز از لژهای دیگر سر درآورد. تقی زاده در عصر حکومت رضاشاه پهلوی به مناصب مهمی چون استانداری، وزیر مختاری، سفارت و وزارت رسید و در برنامه‌های اصلاحات رضاشاهی از همکاران نزدیک او بود

فراماسونری در عصر پهلوی سه مرحله متمایز را پشت سر گذاشت: ۱- مرحله سکوت نسبی در دوره رضا شاهپهر چند فروغی مشهور به ذکاءالملک که به عنوان نخست وزیر رضاشاه و اولین نخست وزیر محمدرضا شاه به شمار میرفت، خود از فراماسونهای نامی آن دوران به بود. سیدحسن تقی زاده نیز از فراماسونهای پیشگام و از کسانی است که به لژ بیداری ایران پیوست و بعدها نیز از لژهای دیگر سر درآورد. تقی زاده در عصر حکومت رضاشاه پهلوی به مناصب مهمی چون استانداری، وزیر مختاری، سفارت و وزارت رسید و در برنامه‌های اصلاحات رضاشاهی از همکاران نزدیک او بود. ۲- احیای فراماسونری و ایجاد «لژ پهلوی» در دوران محمد رضا پهلوی. در ۲۵ آذر ۱۳۳۰ (لژ پهلوی توسط ارنست پرون محمد خلیل جواهری، ارنست پرون، محمود هومن، احمد هومن، جعفر رائد و دیگران تأسیس شد و تا سال ۱۳۳۵ فعالیت داشت)؛ ۳- رشد فزاینده فراماسونری در ۱۹۷۸-۱۹۵۵، هنگامی که چندین لژ معمولی وابسته به لژهای اعظم فرانسوی، آلمانی، و اسکاتلندی و دو لژ اعظم شروع به کار کردند.

در دوره محمدرضا پهلوی تا حدودی در تفاوت با دوران رضا شاه، همزمان با

گسترش روابط سیاسی با غرب به خصوص انگلستان لژهای فراماسونری بسیاری در ایران تأسیس شد و نفوذ فراماسون‌ها در سیاست ایران به شدت گسترش یافت، هرچند هیچ یک از افراد سرشناس خانواده پهلوی به طور رسمی عضویت خود را در لژهای فراماسونری اعلام نمی کردند، ولی بسیاری از سیاستمداران، نخست وزیران، وزیران، نمایندگان مجلسین و فعالان سیاسی از فراماسون‌های سرشناس بودند. از چهره‌های شاخص فراماسونری در این دوران می‌توان ارنست پرون را نام برد. ارنست پرون سوئیس، یکی از نزدیک‌ترین و صمیمی‌ترین دوستان محمدرضا پهلوی بود. پرون بنا بر روایتی، فرزند باغبان و یا سرایدار دبیرستان روزه سوئیس در دوران تحصیل شاه در این مدرسه بوده‌است. وی که دارای معلومات در ادبیات و فلسفه غرب بود به سرعت مورد توجه ولیعهد ایران قرار گرفت و با وی به ایران آمد. هرچند رضاشاه مخالف حضور وی در دربار ایران بود و وی را

جاسوس می دانست ولی دوستی وی با ولیعهد وی را به دربار ایران راه داد. او از بنیانگذاران لژ پهلوی بود که به گفته «فردوست» با اجازه محمدرضا پهلوی تاسیس شده بود. پرون در طول حضورش در ایران از فراماسون‌ها حمایت زیادی کرد.

در این دوران، تشکیلات فراماسونری عمدتاً در جهت تثبیت پایه‌های حکومت پهلوی دوم و تامین منافع غرب و به ویژه متحد غرب صهیونیسم، فعالیت می کرد. فراماسون‌ها در ایران عموماً وابسته به دول غربی به خصوص انگلستان بودند و عمده فعالیت‌های آن‌ها نیز بدین سبب در جهت حفظ منافع این دولت‌ها بود. در این میان می توان به نقش فراماسون‌های شناخته شده این دوران در یک سری قراردادهای استعماری و شبه استعماری اشاره کرد. «قرارداد الحاقی» یا همان قرارداد «گس-گلشائیان» و مساله «کاپیتالاسیون» از آن جمله هستند که در مورد نخست محمد ساعد (نخست وزیر و فراماسون عضو لژ مولوی) و نیز عباسقلی گلشائیان (فراماسون نامی و عضو لژ مولوی) نقش داشتند و در ماجرای کاپیتولاسیون هم، حسنعلی منصور (نخست وزیر)، عباس آرام (وزیر امور خارجه) و شریف امامی (رئیس مجلس سنا در آن زمان و استاد بزرگ لژ فراماسونری) نقش کلیدی ایفا کردند.

در این دوره در نتیجه ترکیب صهیونیسم و فراماسونری در ایران، پدیده نوین «نوماسونی» شکل گرفت که نطفه آن در دل رژیم پهلوی بسته شد و در دامان دولتمردان آن زمان پرورش یافت. علاوه بر مسائل ذکر شده فعالیت های فراماسونری در ایران در عین حال به طور قطع موجب گسترش بی اعتقادی به دین مبین اسلام و رواج خرافه در میان مردم نیز می شد.

دخالت لژهای فراماسونری در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی ایران به صور مختلف تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت. یکی از وقایعی که گویای دخالت و تاثیرگذاری گسترده ماسون‌ها در امور کشور و توطئه‌های پنهانی آنان است، اتفاقات مربوط به انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی است که در پی مخالفت ماسون‌ها با دکتر اقبال - که از اطاعت دقیق از دستورهای لژهای انگلیسی و مشخصاً «لژ روشنایی» و «لژ تهران» بازمانده بود - حادث شد. این مخالفت به قدری تاثیر گذار بود که در نهایت، وی را به صرافت انداخت که با توسل به ماسون‌های نزدیک به خود از شدت مخالفت‌ها بکاهد؛ لذا به وسیله دکتر غلامرضا کیان از اعضای لژ تهران با گردانندگان لژ روشنایی و لژ تهران تماس برقرار کرد و از آن‌ها خواست که دست از مخالفت با وی بردارند. این بار ماسون‌ها که حریف را درمانده یافته بودند، پیغام دادند: «هیچگونه تعهدی درباره ادامه نخست‌وزیری شما نداریم».

با پیروزی انقلاب اسلامی و نافذ گردیدن قوانین اسلامی در

جامعه و حکومت ایران اما فعالیت‌های لژهای فراماسونری در ایران رو به افول و در نهایت توقف نهاد. در این هنگام، اغلب گردانندگان عمده لژهای فراماسونری که از مقامات متنفذ رژیم پهلوی بودند ایران را ترک گفتند و بدین ترتیب شیرازه تشکیلات

فرماسونری در ایران از هم گسستبا تمامی این اوصاف در طول سه دهه تاریخ انقلاب اسلامی نیز ماسونها و دوستان ایشان کوشیده اند تا اصول موضوعه گفتمان لیبرال سرمایه‌داری را از دل اسلام استخراج و استنتاج کنند و التقاتی از تئوریهای ماسونی با مستندات دینی بیافرینند تا تجدیدنظرطلبی ایدئولوژیک خود را به نام اصلاح‌طلبی دینی پیش ببرند، چرا که به روایت مصطفی ملکیان «هیچ گفتمانی در ایران بدون اتکاء به ادبیات دینی رشد نخواهد کرد و حتی لائیک‌ها نیز برای گسترش آراء خود راهی جز استفاده از ادبیات مذهبی ندارند». و این همان نقشه راهی است که بنیانگذار فرماسونری در ایران میرزا ملکم خان نیز بر آن تاکید و اذعان داشت.

پس از آن که با وقوع انقلاب اسلامی ایران،

تشکیلات فرماسونری در کشور از هم پاشید، اطلاعات تازه ای هم درباره وابستگی های فرماسون ها به بیگانگان و همدستی آنها با صهیونیست ها به دست آمد. به طوری که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از مراکز فرماسونری با نام «ستاد عملیات استاد اعظم، جعفر شریف امامی» کشف گردید که در این مرکز یک سری عکس ها، لیست اعضا و مدارکی دیگر از فعالیتهای ایشان بدست آمد. بر اساس اسناد به دست آمده از این کانون فرماسونی بیش از پیش مشخص گردید که در روزگار محمد رضا پهلوی، نه تنها اساس سیاست ایران، بلکه سر رشته اقتصاد کشور نیز به شیوه ای بنیادین در دست فرماسون ها بوده است. به هر حال انقلاب اسلامی ایران بر چندین سال حضور و نفوذ مرموز ایادی استعمار در قالب تشکیلات فرماسونی نقطه پایان گذاشت، و بسیاری از خیانت ها یی که در لوای گروه های مخفی فرماسونری در طول سالیان متمادی در طول تاریخ معاصر ایران به وقوع پیوسته بود از پرده برون افتاد.

فرماسونی همیشه کوشیده است اقلیت های مذهبی را تحریک کند و در جوامع مختلف مسأله و تفرقه ایجاد نماید. حکومت های استعماری انگلیس سعی بر این داشتند عوامل خود را به صورت مجریان صدیقی در پست های حساس قرار بدهند و گاهی هم ایشان را دربرنامه ای چندین ده ساله در چهره مردان ملی ذخیره نمایند. سیاست فرماسونری هیچ گاه در مورد ایران نقش نیکخواهانه و اصلاح طلبانه نداشته بلکه فریب و تزویر، اساس کار بوده تا ملت را در عقب ماندگی و بی خبری نگه داشته و میوه ناآگاهی و کج فهمی در ملل را بچینند. بسیاری از ایرانیان که از همان دوران قاجار به انگلستان وارد شدند و آموزش های ماسونی یافتند و در جهت مخالف خواست توده های مردم قرار گرفتند بر اساس اسناد و مدارک بر جای مانده رد پای فرماسون ها را در جای جای تاریخ معاصر ایران می توان مشاهده کرد، عمدتاً به این دلیل که ایران گذشته از این که بازار خوبی برای تجارت انگلیس بود کلید دروازه هند نیز به شمار می رفت و نفوذ انگلیس از طریق شبکه فرماسونری در این منطقه مستحکم می گردید. بهره برداری از ثروتهای خدادادی ایران زمین و تامین امنیت برای حامیان غرب در منطقه از دیگر دلایل این جنس دخالتها بوده است. مسلماً دوران قاجار انگلیس ها و فرماسونهای ذوب شده در غرب را بر کشور مسلط ساخت و اما دوران پهلوی بر آن تسلط افزود. اکثر رجال سیاسی و دولت مردان ایران در دو قرن گذشته پیوسته با این شبکه مربوط بوده و گاهی مسیر نهضت های مردمی از جمله انقلاب مشروطه را هم بر حسب خواست خود تغییر داده اند. فرماسونری در ایران از تشکل های ذی نفوذ و پیچیده ای بوده است که در مسیر اغراض و اهداف استعمار و امپریالیسم طی مسیر نموده و در مقاطعی نیز بر نهادهای سیاسی و مراکز مطبوعاتی و فرهنگی و هنری ایران سلطه ی تام و تمام داشته است. تشکل ها و جریان ها و مطبوعات و افراد وابسته به فرماسونری

یا متمایل به آن از لحاظ فکری تلاش کرده و می کنند در هیأتی کاملاً نهن مروج ایده ها و شعارهای لیبرالی و بازگشت سلطه ی سرمایه داری در ایران پس از انقلاب باشند. از خطر حرکت های بسیار نهن روشانه و منافقانه ی فراماسونری علیه تفکر اسلامی و انقلاب دینی و آرمان های معنوی آن و به منظور استحاله و نهایتاً براندازی انقلاب به هیچ روی نباید غافل شد.

منابع:

موسی حقانی «ضرورت توجه به نقش پنهان فراماسونری در تحولات تاریخ معاصر ایران»، ۱۳۸۷

علی وطن خواه، «نگاهی به دوره ی ناصری تکاپوهای فراماسونری در عهد قاجار»، ۱۳۹۲

ابراهیم صادقی نیا، «فراماسونری و جمعیت های سری در ایران»، ۱۳۷۷

سید جلال الدین مدنی «تاریخ سیاسی معاصر ایران»، ۱۳۶۱

منصور موسوی «فراماسون و فراماسونری»، ۱۳۹۰

موسی حقانی «ضرورت توجه به نقش پنهان فراماسونری در تحولات تاریخ معاصر ایران»، فرهنگ پویا، شماره ۲۰

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۰۳۵۶/جایگاه-فراماسونری-جریان-جایگاه/۲۰۳۵۶>